

تربیت

مؤلف آزاد منشکی

تجذیب ششم شهر ربیع الاول ۱۳۲۳ هجری

صاحب استیاز ذکر الملک میرد پسر بیای

بازدهم ماه ذی قعدة ۱۳۰۵ میلادی

مزه سیصد و شصتم

سالیانه در بین پای تخت پانزده هزار دینار

در سایر ولایات داخله سیصد هزار دینار در تمام روسیه چهارده تا در تمام هندوستان هفت روزه در تمام فرنگ و مالک عثمانی و مصر و فرنگ

در دار الخلافه طهران طبع شود جریده علمی و ادبی و سیاسی قیمت طبعی کفران اگر گزشت شود تخفیف قیمت دارد سال هشتم

(بقیه تحقیق در باب ثروت ایران)

در نه پیش و ده دادیم که راه تولید و زیاده کردن ثروت را چنانکه دانشمندان علم ثروت بیان کرده اند بنمایم لکن اگر بگویم با اتفاق تمام فضلا کاروان عالم قوت و ملک بدو وسیله وابسته است تولید ثروت میکند (تعریف ثروت را که در نه قبل کردیم باید بسواری در نظر داشت نیز باید گفت بود که راه متحمل شدن کفر غیر از راه متحمل شدن یک قوت است)

اسباب ثلاثه تولید ثروت از این قرار میباشد اول زمین و عوامل طبیعی دوم سوسی انسان سیم سرمایه که آن سیم سوسی انسان فراهم میشود اینک باید هر یک از این اسباب سه گانه را جدا شرح دهیم و حقیقت مطلب را معلوم کنیم بر آنکه اندک نظری در امور عالم دارند اهمیت زمین و عوامل طبیعی در تولید ثروت ظاهر است میدانند که کشت و زرع و نهادهای زمین حاصل شود و بعد انسان در آن تصرف نماید تا قابل مصرف گردد

زراعت غلات و بیاری از اجناس دیگر گله داری و استخراج معادن همچنین ساختن کارخانجات و بنسیه زراعتی و عمارات مسکونی و غیره همه بسته بر زمین است محل و مکان میخواهد و عوامل طبیعی را که مطلق بر زمین نمودیم در دیف آن قسمه کردیم عبارت از قوای است که در طبیعت موجود است و انسان میتواند آن را بکار ببرد از مثل زور و قوت حیوانات از قبیل گا و شتر و اسب و الاغ و غیره که بمصرف شخم کردن و بار کشیدن میرسد و مانند قوه زور و زو خانه و آبشار که در ملکات ماکثر بکار می افتد و در آبشاری قوه باد و مثلاً در آسیا و قله بادی قوه بخار و برق و غیره تا زمین و عوامل طبیعی که اول اسباب تولید ثروت است بفضیل و کرامت خدا شکر او ان فریاد داریم راست است که مالک ایران ارضی کویر دارد اما اراضی قابل کشت و زرع آن بیشتر میباشد و اکثر آن اراضی مستعد بکار و بایر افتاده و در تحت ظل طلیل زراعت قرار گرفته و رنگ آبادی نمیده است

۱۷۸۹

(بقیه شرح حال و اشکلتن)

بعضی اشخاص در این عالم دیده می بینیم که بکرتبه دارای حال و خیالی میشوند و بقتله شور و هوای در پسر آنها پیدا میگردد و آن خیال و شور بر فکر و عقل غلبه میکند و بنسجه و بی تاقل دست بکار میزنند و بعد در میمانند یا پیش میریزند اما و اشکلتن ازین قبیل آدمیان بود و بی اندیشه و عقل اقدام نمیشود و خاطر او چون دانسته و فهمیده بطلبی حلقه میگرفت تعلقی بآب آن مطلب پیدا میکرد و مهربان او برگشت داشت و خلوص بوطن و حفظ حقوق و آزادی ملک و موطن را از فرایض میبرد و در مثال این موارد خود را مکلف بخداست و مجاهدت میداشت و آنچه میکرد برای خست و جاه و تحصیل ثناء و ستا بود و میتوان گفت و اشکلتن یکی از مردمان بزرگ دنیا محسوب میشود و فخر عالم نهایت میباشد اما خود هیچوقت درین صدد بر نیامده که مرد بزرگی باشد و صلا فخر

بعضی از اهل تحقیق تخمین کرده و گفته اند از پنجاه قسمت اراضی قابل
زراعت ایران فقط یک قسمت مزرع است شاید این حرف خالی
از مبالغه و اغراق نباشد یا بتوانیم آنرا اهل بر اشتباه کنیم اما بجز آن
میتوانیم بگوئیم محققان از خمس اراضی ایران زراعت نمیشود و
آبادی ندارد تا به قسم زمین داریم پست و جلگه تپه و کوته و
سردسیر گرمسیر معتدل چنانکه گشته محصولات کوه اراضی را
بخوبی در آن اراضی میتوان عمل آورد و این مطلب بایک اندازه
امتحان شده و مردم آزموده تجربه کرده و دانسته اند ایران ممکن است
دارای اغلب حاصلخای دنیا شود (برنج اعلی که در بعضی المند بسم
چپاد و برخی بام صدری معروف شده تا ده بیت سال قبل در صفت
زراعت نمید و گمان میکردند این جنس بجا که فارس و مازندران
و گیلان اختصاص دارد اما حالا در اصفهان بطور وفور عمل می آورند
با همان استیلا برنج چپاد و صدری) باری اراضی ما با آن سستی
که دارد بقدری جنس میتواند بحد که اطلاق ده برابر جمعیت جاریه
کفایت نماید و اینکه ده برابر کفایت برای آن است که زیاد بنظر نیاید
و بجز نقص گفته نماید و آلا خیلی بیش از این است پس میتوان
دانست که اگر مردم مادرست بزراعت میپرداختند هم خود در
کمال وسعت و رفاه زندگانی میکردند هم بواسطه فروختن حاصل
حاصل بخارج مبلغی گزاف دخل میکردند و دلیل این ادعا پیش
اقرار شده و دیده اید که با این کشت و زرع ناقص و ضعف تصور
و فتور آن کی از چسبندگی فی الجمله رعایا و مملکت را از فقر شدید محفوظ

داشته فروختن غله و کشت و قصبی و بادام و پنبه و ترباک و قوتون
و کثیرا و امثال آن است بخارج و اگر ما اولاد دست از تقرب و خراب
کردن جنس خود برداریم ثامنا قدری اہتمام کنیم که آن اجناس را
بتر و پاکیزه تر و بیشتر مینماییم و بعضی شرایط را هم در معاملات
منظور داریم باضعاف مضاعف مستفیع خواهیم شد
عقیده برخی از عوام و غیر عوام این است که فروختن اجناس را
بخارج باید منع و خدغن کرد تا در داخله گران نشود غافل که این
اشتباه بزرگی است و هر چه بازار این معاملات بهتر و رواج باشد
صرف مملکت است اگر چه در داخله گران گردد اما اینکه ترتیب
داخله هم باید صحیح باشد که واقعا بجا برده در بلاد و ولایات قحطی نیندازد
(در پنجاه سال قبل که ما از اجناس گران گور در فوق کتب بخارج میفرستیم
و اینقدر گرانگ پول دیده نمیشد اگر نرخ ماکولات و ضروریات گران
مثل حال بود در تمام مملکت بقول معروف قاعا نصفنا میگشت)
خلاصه گفتگوی این بحث شرح و بیانی طولانی دارد و در اینجا چندان
مناسب نیست شاید بعد با آن دوستان تفصیل بپردازیم
همیشه های ما باید پیش از تمام کار ما بفکر زراعت و آباد کردن
اراضی خود باشند چه آواکشت و زرع کاری است که در همه جای دنیا
اهمیت دارد و هر قومی که زمین قابل مستعد زراعت دارند وجود
آن را افزونی عظیم شمارند و آنها هم که از وسعت اراضی محروم
یا زمینهای ایشان مستعد نیست برور علم و وقت تدبیر و اختراعات
نمودند زراعت میکنند و از اراضی بجز و قهر حاصل میکنند پس ما

نداشته که او را از مغایر جان آدمیت دارند و قدری برای وی مسخر دارند فقط چیزی که در حال خیر و محروک و شکنجند و کار دان ایگ
و امید داشت بخد مت وطن بهت میگاشت این عقیده بود که میخواست پیش نفس خود بجل نباشد و مشربان هم او را سر شکسته ندانند باین وقتی که
در لنگره اریکا در سال هزار و هشتصد و هفتاد و پنج میلادی مالی آن سپه زمین کال اعتماد خویش را بوشینکن اظهار نمودند و شخص شش را سردار
کل قشون بزی خواندند و امور کردند که حقوق اریکا را در مقابل تخلص خط کنند و اتفاقا آن مرد متفلسفت و نجالت کشید بلکه متحیر گردید
قوتی که و شینکن با مور سرداری آن شد فقط اسم داشت رسم و اتفاقا قادر ثانی ایگه لنگره مشول مذاکرات بود و هر سوز در صد و خیال که غایب را
بشکل رفع کند ناگاه خبر رسید که در لنگر پتقن میان یکدسته قشون تخلص جماعتی از لشکریان نایب ماسا پورتس زد و خورد شدیدی واقع شده و

که سر بایه خدا داده داریم چه اهل و غفلت را جایز میاریم نمایا
 زراعت علی است که زارعین با وقوف و سر رشته آن را دارند و
 انالی مالک خارج با سانی نمیتوانند درین باب با ایرانی رقابت و
 بجوشی کنند و پیش برند و این کار از قبیل عمل باهوت بانی و بلور سازی
 نیست که باید متاع علم آن را آموخت و سرمایه کزاف فراهم آورد و با هم
 از پیشرفت آن مطمئن نبود گفت نیست که حالا زراعت شامل سایر کارها
 ناقص میباشد ولی نقص این رشته بقدر سایر رشته ها نیست و فعلاً
 بآنکه توجیه و خبری استامی در این مملکت میتوان عمل کشت و زرع را
 ترقی کتی داد و در نفس اول نخستین قدم محتاج نیستیم که وسایل تکمیل
 فرنی را بکار بریم و معمول داریم چنان تربیات بیشتر برای عمل و موفقی است
 که میخواهند از اراضی کم و وسعت یا زمینهای کم استعداد حاصل زیاده
 بردارند و حالا اگر تمام اراضی مستعد خود را بهین وضع ساده کرده ایم
 مزرع کنیم بکلی غیر ازین که هستیم خواهیم بود نمیگویم باید از تربیات
 علمی و عملی زراعت صرف نظر کرد و آن جلد را بر طاق نیسان گذاشت
 و ابد الله هر در تیره جل باقی ماند و بجان کندن کار کرد بلکه در قبول
 آداب و رسوم تمدن حالیته از همه کس بیشتر اصرار میکنم مقصودم این است
 که امروز با کمی بایه و موجود نبودن مقتضیات لازم نیست که خود در مشقت
 اندازیم و اسباب زراعت نخلیس و المان را هم آوریم بعداً
 که زراعت جان گرفت و مایه هم بستیم در صورتی که علم و اطلاع در مملکت
 شیوع بهم رساند و در واج باید آن تربیات با طبیعه خود سهیم پیش
 می آید فعلاً الزم چنین را برای ترقی زراعت و سایر امور مملکت آسودگی

رعیت است

در مملکتی که طالب آبادی و ترقی زراعت میباشد در مواد و سوجات
 آن وقت که در کف از ترقی اخذ نایات از رعیت و مساعد حکومت
 با زارعین باید طوری باشد که برای رعیت قوه کار باقی بماند کشت
 و زرع راغب و شایق گردد و بداند اگر درین راه زحمی میکند چیزی هم
 از نتیجه آن رنج و محنت عاید و دستگیر خواهد شود نیز باید این سه
 بر دینی بداند و خداوند ایل با فلان جماعت مزرع او را خاست
 نمیکند و محنت حکومت بیش از قیمت حاصل از و مطالبه نمیکند
 مختصر باید رعیت ظلم نکند و آسوده زندگانی نماید و گرنه چون دید فایده
 از ملک خود نمیسیرد بلکه اراضی او و بال کردن و اسباب طمع
 و توقع دیگران میشود و ناچار آن را میفروشد و رعیت که ملک فروخت
 بزرگان مقتدر مالک میشوند و ایشان چون احتیاج فوری بشود
 جنس خود را در اختیار می نمایند و قیمت غله را بالا میبرند و این ضرر
 عمومی است که خواص و معتبرین و مالکین محسوسین را هم شامل است
 و علاجی هم برای این کار بنظر نمی آید یعنی موعظه و نصیحت و توبیخ
 و طاعت در اماکنی که تمام شأن و اعتبار پول باشد و بس بخرج کسی
 نفیر و بدعلاوه یک عیب بزرگ دیگر هم در کار است

دقتی که زمین ملک رعیت نشد آن علاقه و وابستگی که باید با آباد کردن
 و کشت و زرع آن داشته باشند دارد و چون سید اند برای غیر
 کار میکند مثل سایر کارگر ها حتی الا مکان بطرفه و تغل میکند و از
 شرایط را درست مرعی نمیدارد پس دانایان علم نیستیک یک

امریکا نیهایاری از انگلیسها را تلف کرده و آنها تا شش نشتن عقب نشسته اند و چند هزار نفر از داقین و لایات مجاور که مسلح به آنجا شتافته انگلیسها را
 درین شهر محصور نموده و واشینگتن که لشکری نداشت میبایست این جمعیت دانی را عا کر نظامی نماید و برای قتال و جدال مینا و حاضر کند زیرا که کار از آن
 گذشته بود که امر میان امریکا نیها و انگلیسها بصلح و صفای خوشی گذرد بلکه رابطه فیما بین انگلیس و انگلیسها قطع شده و چاره جراین که انالی امریکان با فوات
 و مخافات جنگ در دهند و زیر این بار گران روند و واشینگتن بعد از بیجان و انقلابی که در بر و ظهور و بروز امور غیر مستقر و اعمال معده عارض شخص شود
 آن مثل شریفی را اگر نگردد با و رجوع نمود با کمال آرامی و سکون منبول کرد و دو وعده داد که سعی کند و خود را شایسته تعلد آن امر خطیر نماید و با آنکه وعده
 هر گونه اجر و مزد هم با و سید اند از دریافت آن ادا و ادا و تحاشی میرفت و وطن پرستی و خدمت ملک و ملت را بر عطیه جایزه و هر چیز ترجیح میداد

ظلم کشیدن رعیت را متضمن چندین ضرر مملکت دیده و آنجی برای ثروت ازین بدتر نیافته اند

دیگر از کارها که برای ترقی زراعت لازم است مسکنه تنظیم آبها باشد و باید مفت بشیم که در مالک آب اصلا فرادان نیست و بسیاری از اراضی از بی آبی لم یزرع مانده ولی عده بیشتر این عیب را میتوان بواسطه نظم دادن کار آب رفع کرد باین معنی که بسیاری از آبها ما هرگز میرود و بصرف کشت و زرع نمیرسد اگر دولت یا صاحبان ممتکت کنند و بترتیب دادن بعضی سدها و تداویس دیگر که در همه جای دنیا بکار رفته آبها را بمصارف صحیح رسانند اغلب اراضی بایر مادی خواهد شد بهترین این قسم عمل بستن سدها و از است که منقضی گفتگو آن شده و میشود و مسنوز نتیجه از آن ندیده ایم حال آنکه باد و سپهر کرد تو مان خرج یک مملکت را میتوان اجا کرد و فورا دخلهای گراف بر دو جمعی کشیر از مردم بکار در آبکا داد داشت و خلقی که پسند را صاحبان کرده و هر سال کرد و ما بخزانة دولت فایده رسانند و در حقیقت منافع سدها و از را نمیتوان تحدید نمود و همه کس حاصلخیزی آن ناحیه و استعداد اراضی را برای زراعت نیکو و نریاک و فله و همه چیز شنیده و میداند عجب آن است که ما جله احساس در دو احتیاج را میکنیم و علاج را نمیشناسیم اجمالا میدانیم و تفصیلا هم نمیتوانیم بدانیم معذرت در افتد ام کزیم و بگفتن گفتن از ما میسر و در روز دیگر از لوازم ترقی زراعت وجود راه و سایل حل نقل است و آن تنها لازمه ترقی زراعت میباشد بلکه سبب هر گونه پیشرفت کار مملکت

خواهد شد و شرح این مطلب نیز تفصیل بایند

این بود محلی از حال و سیده اول تولید ثروت انشا الله نزهة السعد مختصری از وسیله دویم یعنی سعی و عمل انسان ذکر میکنیم و مطالعه کنندگان محترم البته مفت میباشند که ما فعلا کلیات و در پس مسائل و مطالب را بیان میکنیم تفصیل و شرح جزئیات را برای بعد میگذاوریم و همه کس میداند که چون اصول بدست آمد و دانسته شد درک و فهم شروع آسان میشود ازین گذشته تقش در جزئیات چه آنکه درین مقاله گفتیم چه آن چیزها که بعد خواهیم گفت بتهت خود مردم است که در صد و بر آید و از اهل خبره و مشر و ارباب بصیرت و اهل تجربت و صاحبان اطلاع کس خبر و آگاهی نمایند و این همان کاری است که سایر ملل میکنند یعنی دست به کاری که میخواهند بزنند از اهل و قوف آن کار اول تحقیقات در آن باب بعمل می آورند و آنگاه اقدام میکنند و مسلم است که از ما و امثال ما کسی نباید توقع داشته باشد که عالم بجزئیات امور زراعت صنعت و غیره باشیم از ما بیان کلیات و بدست دادن منافع است و از مردم تحقیق در جزئیات و عمل کردن و از یاد و گوهر حرف مفت زدن و مانع پیشرفت حرف حق شدن

(انسان فوق العاده)

بلندی بالای انسان متعارفی بذریع مایکت ذریع و نیمه غالباً بکدر و شش که همیشه باشد و در خلقهای معمولی کم و زیاد آن بیش از دو گره است مایکت چارک نیست اما این او را حرکت مرد و یکت آن

و از آن وقت شخص و اشیکتن تعلقی بخود داشت بلکه وجودی بود متعلق بمملکت و وقف خدمت وطن و ملت چنانکه سرگذشت زندگانی او با تاریخ آن سرزمین مخلوط و مربوط شد مثل اینکه امریکا و واشینگتن لازم و ملزوم یکدیگرند

شکلات کار واشینگتن بحباب و شمار در نمی آید و فی الحقیقه اقلیم امریکا خیلی مساعدت بود که شخصی متاثر از برگزیده و مردمی را انتخاب و اختیار کرد که خلوت نیت و پاک فطرتش ظاهر و مشهود گشته و در خدمات نظامی دارای نام نیک و سربلندی شده و بهمانطور که صفات لازم سرداری و وطن پرستی را دارا است از استعداد او آواره کردن نظم دادند و او را نیز بهر درستی میر و بلکه باعلی درجه بهر کار بخورد و موانعی که میبایست واشینگتن از پیش بردارد و دفع کند یکی ضعف قدرت نگه بود دیگر دعاوی ولایات مختلفه کشنیها که باهم رقابت و محشی داشتند دیگر بی نظامی عا کر و لشگری دیگر رنگ و جد

که هر دو از خلقهای فوق العاده محسوب میشوند در لندن خود نمائی کرد
و اسباب تعجب تماشاگران آنالی آن پای تخت گردیدند

مرد و زن جوانی است بیست و سه ساله از مردم روسیه موسوم با چو
که پسر چهار ماه قبل از برلن بدن رفته و عکس او را در میان جمعیت
تماشایان برداشته و صورتش را در روزنامه مارسم نموده اند یکی
از آن تصاویر را بهترین دوستی از دوستان برای مافرساده
مگر از مشاهده آن پسر صحنه آبی و طرفه کار بهای طبیعت را نمانیم
طول قامت با چو تقریباً پسر فرع سه گره کم و دایره دور گرد او یک
فرع و شش گره و دور سینه یک فرع و نیم و از سر انگشت تا مفصل
دست نیم فرع و طول کف پا نه گره و نیم و وزن جثه او شصت و نیم
تیریز است

تماشاگاهی در لندن برای این خلقت غریب معین کرده اند و آن تماشا
(پروژووم) میباشد و اتفاقاً زنی در این میان را این مرد را
شده که طول قامتش نیم فرع است و مسامه با دمو ازل شکایت این
خانم که قدش یک گره و نیم از طول کف پای آقا با چو کوتاه تر است
مرد را نیک جلوه میدهد و مردم معترفی میکنند این مرد وزن
میان شتر گربه دنیا خوانده مرد قوی سبیل ترین مردان این جهان است
وزن از جثه جثه کوچکترین نوان عالم بشمار می آید

مسیو با چو وزن و بجه هم دارد بنا بر مسطورات یکی از روزنامه های
انگلیسی مشارالیه وقتی که در لندن بجزیره و دکان خیاطی رفت که سفارش
یک دست لباس بد خیاط برای گرفتن اندازه محتاج با استعمال

زردبان گردیده و راستی که با نبودن فکر سی و چهار پایه اندازه گرفتن
لباس آدم پسر فرعی ممکن نیست نیز بر اظهار همان روزنامه با پارچه
یک دست لباس با چو میتوان چهارالی پنج دست لباس برای آدمها
مقارنی دوخت با چو دوازده نان و دوازده دانه تخم مرغ
و یک چارک شیر القه صبح میل میفرماید و در بنا بر بیشتر از نیم
من گوشت و مقداری سیب زمینی و یک بطری آب جو میخورد
و سرشام چندین خوراک برای مشارالیه حاضر میکنند (یعنی
سه چارک گوشت و قدری نان و مقداری سیب زمینی و دو بطری
آب جو) و غذای نصف شب با چو ده پانزده دانه تخم مرغ با نان
و کره و مبلنی چائی است برای خواب این جوان چهار تخت
خواب را پهلوی هم گذاشته و شش جفت شمد را بهم دوخته اند
باقی را مطالعه کنندگان خود قیاس بفرمایند

(اخبار زمان)

اعلیحضرت پادشاه انگلستان و ملکه انگلیس زمان توقف خود را در پاریس
بانتظار ساندن از آن ملکت عازم ماریسل بندر فرانسه شدند در او
اقامت در آن ناحیه عریضای محسنه ایرضی تشریفات و احترامات
اعلیحضرتین متعاقباً و باز با واسطه تازمی و تیره اندازها کردند از پاریس
که ماریسل میرفتند در بین راه در شهر آژاکسیو واقع در جزیره کرسی
مولد ملیون برداشتند جزیره کرسی متعلق بفرانسه میباشد و شهر آژاکسیو
محل تولد ملیون بزرگ است و ازین جهت نامی دارد مسافران
معظم از ماریسل با پاریس میروند و در آن پای تخت مستقر آید و در

سردار که هر یک خود را برای ضمه نامدی کل قابل تر از میدانستند فقط اسباب کار و تخیلهای که او شینکن داشت وطن پرستی رعایا بود و عشق آنها بآل
و آزادی که کشته آن را حاصل کرده بودند در هر صورت آن مرد با غم و خرم از ضمه طغیان و درایت و مواظبت و مراقبت و تدبیر و تحمل و تقوی و ثبات
بر تمام موانع مزبور غلبه نمود و بعد از زیستن سال هزار و هشتصد و هشتاد و پنج وقت داخل شدن در پهنه هزار و هشتصد و هشتاد و شش لگاری آراسته
و کل ترتیب داده بود و چون خود را بجله کردن قادر و توانا دید میانه که شهر نشین را لگول باران کند اما سردار انگلیسی حساسیت و تقوی تخیله نبرد و ابریکانها
کان کردند و امن دولت بست آمده و مقصود خویش رسیده اند لذا در تابستان سال هزار و هشتصد و هشتاد و شش سما آزادی ملک متحده (اتازو)
اعلان نمودند و امیدوار بودند که دولت انگلیس زیاده برین متعرض ایشان نشود و دیگر بخیرال متور و مطیع کردن آنها نیفتد اما درین باب امریکاییها سخت شتاب

توقف میکنند و با جناب رئیس جمهوری فرانسه ملاقات میکنند
و تمام این اعمال دلیل صحت مبانی مودت و ولتین فرانسه و انگلیس است
و ظاهر میشود که انگلیس در مقابل سیاست المان در باره مراکش
پایداری خواهد کرد

مقرر است که این اوقات لیفر وزیر مختار از انگلیس به فرانس بخت
مراکش برود و چند نفر صاحب منصب هم با او همراه باشند فرانسویها
این سلسله را نیز قوت کار خود میدهند و ازین اقدام خوشنودینند
ولی مردم پاریس این روزها استقامت و غم دولت المان را در
خود راجع به مراکش مفسدند که دولت اروپا میداند آنجا که میگوید
بتر آن است که فرانسه در صدد حفظ سرحدات شرقی خود برآید
(مقصود سرحدات فرانسه المان است)

گویند که بجز از سرداری قشون هندوستان استعفا کرده و به پستانها
خود رانده است

زلزله که چند روز قبل در هندوستان شد معلوم میشود از بلیه های عظمی
بوده از قرار مذکور وسعت دایره که این زمین لرزه در آن واقع شد
از تمام دوایری که پیش در آن این حادثه حادث شده بیشتر است
نفوس کثیره هلاک شده اند و خسارت بسیار وارد آمده بچهار
مردم هندوستان این اواخر فصل گرفتار محنت و شدت میشود و غلات
رفع شده مخصوصه دیگر بر آن مزید میگردد بقول یکی از صاحبان حسن
و شعور هند در جواب دو چار قحط و غلایا باشند و در شمال دکن
زلزله و در وسط مقهور جنگ و چنگال طاعون خسارتها را آسان

کند و مخصوصا برادران هندوستانی را بفرجی ازین آلام و استقام
دریابد و دور سازد

دولت انگلیس ترتیب حکومتی برای ترانوال اختیار نموده و اعلان کرد
و مبنای آن ترتیب این است که مملکت ترانوال مجلس وضع قوانین
مستقلا از خود داشته باشد و اجزای آن مجلس را مردم آن سرزمین
خود تعیین و انتخاب نمایند و ترتیبات و قوانینی که باید در مملکت معمول باشد
وضع و ابداع کنند ولی حق رای دادن و انتخاب اجزا مخصوص سفید
پوستان خواهد بود و هر وقت قانونی مجلس اظهار نماید که آن قانون
سلب چیزی از غیر اروپائی کند باید ترانوالیها آن قانون را بر موقوف
حکمران خود بدولت انگلیس نشان دهند تا موقوف امنای آن دولت گردد
و بدون تصویب ایشان مجری نشود روزنامه های انگلیس از وقوع این
امرا اظهار سرت و خرسندی دارند

این اواخر دولت چین با موری با چند نفر اجزا بملکت بت فرستاده
تستیان آن امور را با تمام همایش نقل رسانده و از قرار مذکور
چهار نفر از دعای مذمبه فرانسه هم با موری چینی و اجزای او مقبول
شده و در همان نقطه که این کار وقوع یافته ده هزار نفر از بومیهای
بت گرد آمده میگویند چون حالا دولت انگلیس میتواند این مملکت را
متصرف گردد و وقت آن است که ما هم دولت خود را اقل خوانیم و از
چین خارج شویم گویند فراموش مای چینی لشکر بآن نقطه میفرستند
از تا شش خبر داده اند که افغانستان با خلومی خود را وقت میدهند
و یک با تری توپ از توپهای بزرگ بهرات رسیده

کرده بودند چشتیهای و اشیکتن و مرارت قتل تازه فیکل یافته از همان وقت شروع کردیمنی انگلیسها بعد از جنگهای سخت از یکایکها شکست دادند
و شهر نیویورک را گرفتند و مغلوبین مجبور بقبض نشستن شدند اما درین مکرده موقع خطرناک و اشیکتن عا که خود را بخوبی نگاهداری و حفظ نمود لکن مجبور
بعد از نیویورک ولایت نیویورکی را نیز سرزنا کند و توقف نماید مگر در عقب رودخانه و لاو که حد ولایت پسینلوانی میباشد و این فصل زمستان و اوقات
برودت هوا و سرما بود پس سردار انگلیسی جنگ را تعطیل نمود و تصرف و تخریب فیلا و لنی را که معتبره نگره بود برای بهار گذشت

عقب نشینایی در پی و اشیکتن رفته رفته صدای مردم را در آورده و اسپاب شکایت خیال ایشان شد و اشیکتن برای آنکه درینا شوب نمایند و از
جوش و شوق بختند و ثابت کنند که نه بهین اهل عزم و احتیاط است بلکه در وقت و موقع تصور و شجاعت او نیز کم نیست و اگر در فن عقب نشستن استاد

در ابط را با خانواده های خود قطع کرده ام از ساگون خبر داده ام که جازات
بالتیک و کشتی را که حمل برنج بر این بیکره میگردد بفرستد بعد از بنگالی گفتند در
جازات بالتیک و حرکت در رفت و آمد آنها خبر داده اند که امیرال دهر بنگالی
در بیت ششم آوریل با نوزده جاز از کافره حرکت کرد و یک دست کشتی
دیگر روسی هم همراه در بیت و مقیم دیده شد که بطرف پسنگا پور حرکت میکرد
یکی از بزرگان را این در توکیو در محلی گفت باید مردم حیای طول مدت جنگ
باشند مذکور شد که چون قسری دولت روس در داخل شیرت نمود متوکلین
المان متوکل میشود مگر دست میون مارک (صدوسی کرد تومان)
با شرایط سخت تر از قرضهای سابق از ایشان بگیرد گفتگوی معتدلت این کار هم
در برلن شد رئیس کمیانی عظیم فولادکاری امریکا بطرز بون رفته بود که نتیجه
این مسافرت آن است که چند روز کشتی نره پوشش برای روس پس باز در غلام
سفاین نظیر آن بزرگی داشته باشد روسیه میهمانده که از تنگ شهر مغیر سیری بنا
راه آهنگ (اعلانات و احاطه سیومولیون)

یکی از دوامای بسیار خوب کرم سیمون است و آن مغناج فشنگی و
زیبائی میباشد برای نگه داری و محافظت جلد یعنی پوست بدن
بی نظیر و در نرم کردن و سفید و براق و مخفی نمودن پوست صورت
و دست مثل ندارد
تمام زمان نمیزد که مقید بظرافت و پاکیزگی میباشد آن را استعمال میکنند
کرم سیمون طراوت و جلای رنگ را نیز حفظ میکند و رفع جرمه و
شقاق و ترکیدگی دست را بینماید همچنین کرم سیمون بجهت
تف و تاب آفتاب خوردگی بسیار مفید است

نود و دوری کرم سیمون گردی است بدون میوت بسیار
نرم و چسبان و غیر مرئی
کرم سیمون گلی است بدون میوت زیاد مطر و خوشبو و
نتایج مفیده کرم سیمون را کامل میکند
صابون کرم سیمون بسیار تمیزی نظیر است پوست را
سفید و نرم و براق میکند

ایضا این صابون برای نیت آرایش اطفال بسیار تجویز شده است
شکست مقوی دگستر دشام با کلا و پوست گننه و کلا و کلیر
و صفات دوز برای آنکه طول مدت زندگانی تقریباً بیکصد
سال رسد قبل از نهار دشام یک گیلپس کوچک ازین دوا
میخورند نسخه این دوا در همه جا معروف است و جمیع اطباء دنیا
تجویز کرده اند این دوا بحالت محلول کامل مواد عالم پوست
گننه و کلا و برگ کلا و کلیر و صفات دوز را در بردارد و روی هم
رفته برای محکم کردن استخوانها و قوت دادن آنها دوا می خوبی است
این مواد عالم که اثر هر یک را جمیع اطباء تصدیق کرده و با کمال قوت
ساخته شود و مقوی و مصلح و محرک استهلاست و با شفا صی که مبتلا
بضعف پیری میباشد یا از جهت ناخوشی ضعیف المزاج شده قوت
میدهد و اسباب استحکام و مدد و بنیه آنها میکند و چون قیمت دوا
مناسب است همه کس میتواند بخرد و صرف کند

قیمت یک بطری آن شش قران و دوازده بطری آن تومان و محل
فروش در طهران منجر است بدو خانه سیومولیون در خیابان لاله زار

داخل شهر فیلدنی شدند و در آنجا ترتیب کار خود را دادند که فصل زمستان را آسوده بسر برند و راحت گذرانند
از حسن اتفاق و خوشبختی امریکا بنیاسر دارانی که دولت انگلیس آن اقلیم نامور میکرد و میفرستاد مردمان قابل بافتی نبودند و خط خیال جنگ راه
اقلیم جدید را پیش نگیرفته بلکه هوای خوشگذرانی نیز در سر داشتند و در میان راه با ستراحت تیریل داشتند تا بکلفت و شقت چنانکه وزیر
پادشاه انگلیس که از آن حال چندان غافل نبود روزی پس از دریافت خبر بدی درباره سپه داران مشارالیه گفت (من نمیدانم سرداران
مادر امریکا دشمن را میترسانند یا نه اما میدانم هر وقت خیال آنها می افتد و حال ایشان را بخاطر می آورم خود میترسم) در آخر سال نیز قصد
دوختاد و دهنش برای امریکا بنیاسر یافت درستی حاصل شد و بر عا کر انگلیس غلبه کردند و فائق آمدند
بقیه در نره آتیه انشا الله